

نیم نگاهی به عروسی قرآن



بهجت السادات حجازی

قرآن این کتاب شگفت انگیز آسمانی، که اقیانوسی سرشار از جواهرات گران سنگ معانی است و هر شیفته‌ی معرفتی را در خود فرو می برد، اگر چه از زوایا و ابعاد متفاوت مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است ولی زیباترین و چشمگیرترین جنبه‌ی قابل تفحص آن، جنبه‌ی فصاحت و بلاغت آن است که علمای پیش کسوت در علوم قرآن، هم چون عبدالقاهر جرجانی، جاحظ، عبدالله بن معتر، ابن ابی الاصبغ و بسیاری دیگر به این مهم پرداخته اند.

با این وجود عمق و گستردگی زیبایی‌های قرآن از نظر ادبی و هنری هم چون آفریننده‌ی خود تمام ناشدنی و بی حد است و هنوز افرادی را می‌طلبد که با بینش و چشم انداز تازه‌ای آفرینش هنری آن را آشکار نمایند.

اعجاز هنری قرآن هر فرد جستجوگر حقیقت را چنان سرگشته و مبهوت می‌نماید که اگر عجولانه توسن قلم را در این وادی به حرکت وادارد لاجرم افت و خیزهای این توسن، کاستی‌ها و نارسایی‌ها به دنبال دارد ولی آشکار شدن حتی یک جلوه از جمال قرآن بسی ارزشمند است.

نگارنده، سوره ی «الرحمن» را برای این موضوع برگزید، زیرا هم چون عروسی، زیبایی ها و جذابیت های هنری قرآن را در راستای علوم بلاغی به نمایش می گذارد. عروسی که زیور «الرحمن» براعت استهلال فضایل و کمالات وجودی او و جلال و اکرام حسن ختام و صفت اوست. مرواریدهای درشت «فبأی آلاء ربکما تکذبان» در گردن بند این عروس درخششی خاص ایجاد می کند. انصافاً که پیامبر (ص) بهترین صفت را برای این سوره برگزید که فرمود:

«لکل شیء عروس و عروس القرآن سورة الرحمن جل ذکره»^۱

از آن سبب کلمه ی «الرحمن» براعت استهلال برای کل سوره است که به عنوان اولین آیه در واقع عصاره ی کلام الهی در کل سوره می باشد. خداوند متعال انواع نعمت های دنیوی و اخروی خود را به جذاب ترین شکل بیان می دارد تا آدمی را نسبت به رحمانیت ذات لایزال خود به اقرار وادار کند. آموختن قرآن از طرف خدای رحمان بر همه ی نعم الهی مقدم می گردد، که بیانگر عظمت و اهمیت معرفت نسبت به قرآن است.

فواصل آیات این سوره تماماً از واژه هایی است که به «ان» ختم شده اند و این سبب پیرایش موسیقی بسیار لطیف و گوش نواز بیرونی است و در ضمن بیانگر ارتباط ظریف این فواصل با کلمه ی «قرآن» از نظر آهنگ می باشد. هر چند که بعضی از علما از کاربرد کلمه ی سجع برای قرآن - به لحاظ احترام - پرهیز می کنند ولی بدون قصد تشبیه و تمثیل، واژه های پایانی آیات نوعی سجع مطرف را نشان می دهند. «فاصله در اصطلاح قرآن به کلمه آخر اطلاق می شود»^۲

از آرایه های ادبی که در این سوره کاملاً مشهود و برجسته است و برحسن سوره نیز می افزاید، می توان به تکرار، ایجاز، استعاره و تشبیه اشاره کرد. البته از آرایه های دیگر نیز بی نصیب نمی باشد.

همه ی انواع تکرار در قرآن حاوی قصد و غرض خاصی می باشد، که تأثیر کلام را در جان شنونده می افزاید، خصوصاً در این سوره تکرار لفظ و معانی آیه ی «فبأی آلاء ربکما تکذبان» نه تنها ملا آور نیست، بلکه شخصیت خفته ی آدمی را دگرگون می سازد. چنان که ابن رشیق قیروانی گفته است:

تکرار در برخی از موارد نیکوست و در بعضی از جاها قبیح است و زشت.

و نیز گفته است:

تکرار بیشتر در الفاظ است و در معانی کم تر.

و نیز افزوده است که:

گاه شاعر، اسم ممدوح را از جهت جایگزین شدن در قلوب و عظمت دادن بدو، تکرار می کند.

ابن رشیق برخی از تکرارها را نا زیبا شمرده ولی تکرار آیه ی «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» را در سوره ی الرحمن از معجزات دانسته و آن را بسیار مستحسن شمرده؛ زیرا هر بار که خدای بزرگ نعمتی را یادآوری کرده، این آیه هم تکرار شده است.^۳

قاضی عبدالجبار می گوید که: این آیه تکرار نیست به لحاظ این که بعد از ذکر هر نعمتی آن را بیان کرده است که با نعمت دیگر فرق دارد و اگر از نظر لفظی آیه همان آیه است ولی در هر جا معنایی غیر از معنای اول را اراده کرده است.

فاما ما یکون فی سورة الرحمن من قوله تعالی «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» فلیس بتکرار لانه ذکر نعمتا بعد نعم وعقب من ذلك بهذا القول... وعنی بکل قول غیر ما عناه بالقول الاول وان كان اللفظ متماثلاً...^۴

و بعد ادامه می دهد که:

تکرار در این جا طرف مورد خطاب را بیشتر به منظور و مراد گویند می رساند، که این نوعی از بلاغت است.

اگر کسی خرده بگیرد که چرا این آیه بعد از آیات عذاب تکرار شده است، باید گفت که این آیات بازدارنده از معاصی و در جهت ترغیب به انجام طاعات است و در واقع مضامین این آیات نیز از نعمت های الهی محسوب می گردد و چه بسا که تهدید و وعید خداوند اهمیت بیشتری در مقایسه با سایر نعمت ها داشته باشد.^۵

در این آیه کاربرد کلمه ی ربّ به معنی پرورش دهنده، ارتباط زیبایی با آلاء (نعمت ها) دارد و به گونه ای مراعات النظیر یا تناسب معنایی ایجاد کرده است.

نوع دیگر تکرار در این سوره تکرار معنا به دو لفظ است.

گاه معنی و مفهوم به دو لفظ مختلف تکرار می شود تا آن مفهوم به خوبی در ذهن جایگزین شود... مثلاً در سوره ی الرحمن گفته است بینهما فاکهة ونخل



ورمان، نخل و رمان نیز فاکهه است و تحت عنوان فاکهه قرار دارد ولی برای اهمیت دادن به آنها جداگانه ذکر شده است.^۶

البته در این آیه غیر از تکرار، نوعی اطناب نیز تحت عنوان «ذکر خاص بعد از عام» وجود دارد. زیرا به قول زمخشری نخل و رمان را به دلیل فضل و برتری جنس آنها به صورت خاص ذکر کرده است. برتری خرما و انار این است که خرما علاوه بر میوه بودن نوعی طعام، و انار نوعی دارو به حساب می آید.^۷ آیه ی لم یطمئنن إنا قبلهم ولا جان (الرحمان، ۵۵/۵۸) با اندکی اختلاف دو بار تکرار شده است که در لفافه تأکید جذابی بر خصلت پسندیده ی پاکی و طهارت دارد.

یکی دیگر از شاخص ترین محسنات ادبی این سوره و در مجموع قرآن، آرایه ی «ایجاز» است. با وجودی که سوره مدنی است ولی ذکر الطاف و عنایت های الهی در آیات کوتاه و موجز، تأثیر کلام او را در عمق ضمیر انسان می افزاید که بالاترین درجه ی بلاغت را نشان می دهد. به عنوان نمونه در آیه ی خلق الانسان (الرحمان/۳)، به صورت موجز (ایجاز) به خلقت انسان اشاره می نماید ولی در آیه ی خلق الإنسان من صلصال کالفخار (الرحمان/۱۳)، همین موضوع را با توضیح بیشتری به صورت مفصل بیان می کند. در واقع بیان ماهیت انسان از بُعد جسمانی تحقیر او نیست بلکه هشدار برای جلوگیری از غرور و تکبر در پیشگاه خدای تعالی است. چنانچه فرمود: یا أيها الإنسان ما غرک بر تک الکریم. (انفطار، ۸/۶)

در آیه ی والحب ذوالعصف و الریحان (الرحمان/۱۲)، نمونه ای از ایجاز حذف را مشاهده می کنیم زیرا مضاف کلمه ی ریحان حذف شده و در اصل «ذوالریحان» بوده است.

همچنین در آیه ی ویسئله من فی السموات والأرض (الرحمان/۲۹)، که مفعول دوم فعل یسئله حذف شده است، نمونه ای از ایجاز حذف وجود دارد. زمخشری می گوید: اهل آسمان ها از آنچه که متعلق به دینشان است و اهل زمین از آنچه متعلق به دین و دنیایشان است می پرسند.^۸

در آیه ی والتجم والشجر یسجدان (الرحمان/۶)، کلمه ی نجم به معنی ستاره با شمس و قمر در آیه ی قبل الشمس والقمر بحسبان (الرحمان/۵)، ایهام تناسب دارد زیرا معنای مورد نظر در آیه روئیدنی های بی ساقه است نه ستاره. از سوی دیگر در همین

آیه استعاره بالکنایه است، زیرا سجود که نوعی فرمانبرداریست به گیاهان نسبت داده شده است. از این جهت مانعی ندارد که به ساجدین مکلف تشبیه گردند که مطیع و منقاد خدای تعالی هستند. هم چنین در آیه ی بینهما برزخ لایبغیان (الرحمان/۲۰) استعاره تبعیه بالکنایه وجود دارد و تبعیه از آن جهت که مستعار فعل می باشد (لایبغیان) و چون مستعار مننه حذف شده و از لوازم مستعار مننه (بغی) و تجاوز در آیه استفاده شده است؛ استعاره بالکنایه است در آیه ی والسما رفعتها و وضع المیزان. الا تطغوا فی المیزان (الرحمان/۷ و ۸)

با توجه به این که بین دو آیه علامت وقف «لا» وجود دارد یعنی به هیچ وجه نباید وقف کرد، گویی هر دو آیه ارتباط تنگاتنگی با هم پیدا کرده اند و حسن تعلیل ملیحی در این آیات جلوه گری می نماید. زیرا علت برافراشتن آسمان و ایجاد عدل و هماهنگی در جهان را اجتناب انسان ها از بی عدالتی ذکر می کند و خدای رحمان جهان را به زیور عدالت مزین کرد تا زشتی بی عدالتی را از چهره بشر بزدايد. نمونه ی مجاز را در آیه ی ویقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام (الرحمان/۲۷) ملاحظه می نمایم. زیرا وجه به معنی ذات است و تصور صورت و سایر اعضای بدن برای خداوند برخلاف نظر اشاعره محال است.^۹

در این سوره هم چنین انواع تشبیه وجود دارد، به عنوان مثال در آیه ی وله الجوار المنشآت فی البحر کالاعلام (الرحمان/۲۴) تشبیه محسوس است، چرا که کشتی ها به کوه ها تشبیه شده اند و در آیه ی کانهن الیاقوت والمرجان (الرحمان/۵۸) تشبیه جمع است.

در آیات: کل من علیها فان. ویقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام (الرحمان/۲۶ و ۲۷) نمادی از آرایه ی امتنان (اگر در کلام خود دو متضاد یا متفق را بیاوریم) که یکی از نکات بدیع است، مشاهده می کنیم. ابن ابی الاصبغ در خصوص این آیه می گوید: جمع میان تسلیت و فخر است. پس به تحقیق خدای سبحان همه ی آفریدگان از انس و جن و سایر اصناف حیوان و هر موجود قابل زیستی که روی زمین راه می رود و فرشتگان آسمان ها را به نیستی تسلیت داده و در ده لفظ، خویش را به وصف انفراد و بقا پس از فنا ی موجودات ستوده و همراه آن پس از انفراد در بقا، ذات خود را به بزرگواری و اکرام متصف گردانیده است و او (سبحانه) را

آن وصف می سزد. ۱۰

در وادی علم معانی یکی از موارد انشای طلبی، استفهام است که در این سوره دو مورد استفهام به اقتضای حال و مقام به چشم می خورد.

استفهام اول همان آیه ی فبأی آلاء ربکما تکذبان است که استفهام تقریری در مقام اقرار گرفتن است و به همین لحاظ به ما دستور داده شده که پس از تلاوت این آیه این جمله را بگوییم: «لا بشيء من الآئک رب اکذب» پروردگارا ما هیچ یک از نعمت های تو را تکذیب نمی کنیم. ۱۱

استفهام دوم آیه ی هل جزاء الإحسان إلا الإحسان (الرحمان/۶۰) است، که استفهام انکاری می باشد. معنای مجازی استفهام در اینجا نفی است، یعنی کلمه ی «هل» در معنای نفی به کار رفته است. و در حکم این است که گفته شود: «ما جزاء الإحسان إلا الإحسان» ۱۲

دامنه زیبایی ها و شگفتی های هنری این سوره بسی گسترده است، و به لحاظ رعایت یکی از محسنات بلاغت یعنی ایجاز، بیش از این دامن مقال را گسترده نکرده، تبیین و تفصیل بیشتر به گاهی دیگر موکول می گردد.

۱. ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ۹۲/۲۳، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲. علوی مقدم، جلوه جمال/۲۱۳، قم: بنیاد قرآن، ۱۳۶۴.
۳. علوی مقدم، در قلمرو بلاغت/۱۸، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۴. قاضی عبدالجبار، المغنی فی ابواب التوحید، ۳۹۸/۱۶، چاپ اول، قاهره: الشركة العربیة للطباعة والنشر، ۱۳۸۰ق.
۵. همان/۳۹۹.
۶. در قلمرو بلاغت/۵-۶.
۷. زمخشری، تفسیر کشاف، ۴۵۲/۳، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۶۶.
۸. همان/۴۴۸.
۹. همان/۴۴۶.
۱۰. ابن ابی الاصبغ، بدیع القرآن/۳۴۹، ترجمه: سید علی میر لوحی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۱۱. تفسیر نمونه، ۱۱۳/۲۳.
۱۲. جلال الدین همایی، معانی و بیان/۱۰۶، چاپ اول، نشر هما، ۱۳۷۰.